

نیلوفر شناور

(این نوشتار به وحی الهی است)

ما پروردگار عالم هستی در نوشتار حاضر به موضوعی میپردازیم که ذکر آن در آخرین شب حضور فرزندان شهریار ولی در عالم تا پیش از ظهورش دارای اهمیتی بسزا است. در رابطه با کارهایی که در آخرین شب باید صورت میگرفت نیازی به توضیح نیست زیرا عشق پدر و فرزندی مابین ما دو وجود خدایی تنها پیش زمینه ای ست که داشتنش را لازم میدانیم. دل‌های ایرانیان در این روزگار با دردی عجیب و درگیرند که در ظرف چهار دهه همچون کاسه ای پر از خون دیگر لبریز گردیده و ریختن آن بر روی زمین نشانه ای ست که نیاز به حرکت شهریار ولی را الزام میکند. این فرزند با دلی پر درد و آستینی بالازده برای حرکتی مردانه و باصلابت آماده است. عشق در بین ما پروردگار و پسرخوانده ای که از عالم قدس برای نجات شما ملت بدینجا آوردیم بحدی ست که درک چگونگی و کیفیتی که دارد برای نوع بشر ناممکن است. اگر آنرا قابل مقایسه با شدیدترین عشقی که پدر و مادری تلفیقاً نسبت به یک فرزند که پاسخی به همه خواسته ها و آرزوهای دور و نزدیک آنانست بدانیم باز هم عشق بین ما از آن فراتر میرود. امروز شهریار ولی در این اندیشه سیر میکند که زمان ظهورش کی میتواند باشد و از اینکه تأخیری در این موضوع واقع شده ناراحت و دلواپس است. ما این نگرانی را بدین نحو التیام میدهیم که به فرزند بگوئیم امشب دو پدیده ای را که مدتهاست در انتظارشان بوده در اختیارش خواهیم گذاشت. ابتدا معراج به فوق آسمان و بعد از آن مشاهده رؤیایی شکوهمند برای فرزند در ذخیره اند. این نوشتار اشاره به بخشی از این خواب دارد که پیشتر از شرح آن خودداری کرده بودیم.

شهریار ولی در خواب امشب خود را در گیر و دار جستجویی طاقت فرسا برای آب حیات میابد بطوریکه امان و اختیار را از دست داده دچار تشویش و پریشانی ست. فرزند که برای یافتن آب حیات کوه و دشت را زیر پا گذاشته است، تصویر آبی را از دور مشاهده میکند و با نزدیکتر شدن در میابد که سرابی بیش نیست. شهریار به جستجو ادامه میدهد و در

پایگاهی که بر بلندی واقع است چهار نبی را بحالت ایستاده میبیند. اینان در برابر شهریار ولی خضوع نموده سر را بحالت تعظیم فرود میاورند. شهریار این را بعنوان نشانه ای از نزدیک بودن آب حیات در نظر میگیرد و در جایی دور از نظر بناگاه خضر را در برابر خود میابد که شهریار را به سرچشمه آب هدایت میکند. فرزند با خوشحالی زاید الوصف و پیش از برگرفتن از آب حیات نیلوفری را بر روی آب بحالت شناور میابد که نمادی از حضور ما پروردگار است. پیش از بیدار شدن فرشته ای را برای ذکر یک تاریخ گمارده ایم که سیزدهم تیر را ندا میزند. باری ایران امروز در اشغال گروهی آدمخوار شیطان صفت واقع است و از فردای قتل مهسا امینی تحرّکی در این ملت پدید آمد که در طول این چهار دهه موجود نبود. ما این مدّت را تا نزدیک به نه ماه امتداد دادیم تا خاصیت‌های اپوزیسیون حکومتی بنیکی و بطرزی تمام و کمال متبلور گردیده ناتوانی آنان بر همگان عیار و آشکار شود. چنین شد و حال شهریار ما با قلبی پردرد بر صحنه عالم پای نهاده بسان خورشیدی که از زیر ابر بیرون آید نور حق را بر عالمیانی که تشنه آنند میافشاند. عشق را از قلب شهریار ولی دریافت کنید و در شرایطی که کروبیان به نیم نگاهی از او تشنه اند شما ملت ما را شکرگزار باشید که والاترین مخلوق خود را بهر نجات شما گسیل میداریم. عالم اینرا بداند...